



Research Article

Dor: 20.1001.1.25385968.1401.17.3.17.1

Understanding the components of political economy in spatial organization of Rasht metropolis with Dematel technique

Hossein Mehr Sabet¹, Ismaeil Ali Akbari^{2*}, Toba Amirazodi³, Ahmad Pourahmad⁴, Hamid Reza Joodaki⁵

1. Ph.D Candidate in Geography & Urban planning, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran.

2. Professor, Department of Geography, Payam-e-Noor University, Tehran, Iran

3. Associate Professor, Department of Geography and Rural Planning, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran

4. Professor of Department of Geography & Urban Planning, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

5. Assistant Professor, Department of Geography and Urban Planning, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran

* Corresponding author: Email: aliakbari@pnu.ac.ir

Receive Date: 10 November 2020

Accept Date: 02 March 2021

ABSTRACT

Introduction: Cities are the place of connection and spatial organization of forces and natural, social, economic and physical processes in the context of the geographical environment that form the various relations and currents of man and the environment that govern the political system. Meanwhile, political economy and its components are one of the influential indicators on the changes and transformations of urban spaces

Research aim: The purpose of this study is to identify the effective components of political economy on spatial organization of Rasht metropolis

Methodology: The research method in this research is descriptive-analytical. Multi-criteria technique (Dematel) has been used to identify the effective and efficient components of political economy on the spatial organization of Rasht metropolis.

Studied Areas: The geographical area of this research is Rasht metropolis.

Results: indicate that among the economic, physical and political-managerial components of political economy, land rent variables, to create commercial (economic) centers; Changes in the distribution system of land uses (physical) and the variable of not dealing with land rent in the urban management system (political-managerial) have the most effective role in the spatial organization of Rasht metropolis, respectively.

Conclusion: In order to improve the conditions in the spatial organization of Rasht metropolis, it is necessary to pay special attention to the components of land rent for the establishment of commercial centers, changes in the distribution system of land uses, and the indicator of not dealing with land rent in the urban management system.

KEYWORDS: Political Economy, Rent Economy, Spatial Organization, Dematel Technique, Rasht Metropolis



فصلنامه علمی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی
دوره ۱۷، شماره ۳ (پیاپی ۶۰)، پاییز ۱۴۰۱
شاپای چاپی ۰۹۶۸-۲۵۳۵-۲۵۳۸ شاپای الکترونیکی ۰۹۵۵X-۲۵۳۸-۲۵۳۸
<http://jshsp.iaurasht.ac.ir>
صص. ۵۸۵-۵۷۳

Dor: 20.1001.1.25385968.1401.17.3.17.1

مقاله پژوهشی

نقش مؤلفه‌های اقتصاد سیاسی در سازمانیابی فضایی کلانشهر رشت با استفاده از تکنیک دیماتل

حسین مهر ثابت^۱، اسماعیل علی اکبری^{۲*}، طوبی امیرعضدی^۳، احمد پورا احمد^۴ و حمیدرضا جودکی^۵

۱. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران
 ۲. استاد گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
 ۳. دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران
 ۴. استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران
 ۵. استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران
- * نویسنده مسئول: Email: aliakbari@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۲۰ آبان ۱۳۹۹
تاریخ پذیرش: ۱۳ اسفند ۱۳۹۹

چکیده

مقدمه: شهرها محل پیوند و سازمانیابی فضایی نیروها و فرایندهای طبیعی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی در بستر محیط جغرافیایی هستند که شکل‌دهنده روابط و جریان‌های مختلف و متنوع انسان و محیط بر نظام سیاسی حاکم می‌باشند. در این بین اقتصاد سیاسی و مولفه‌های متأثر از آن یکی از این شاخص‌های تاثیرگذار بر روی تحولات و دگرگونی‌های فضاهای شهری است.

هدف: هدف تحقیق شناسایی مؤلفه‌های مؤثر اقتصاد سیاسی بر سازمانیابی فضایی کلانشهر رشت است.

روش‌شناسی تحقیق: روش پژوهش در این تحقیق، توصیفی-تحلیلی است و در آن، از تکنیک چندمعیاره (دیماتل) برای شناسایی مولفه‌های اثرگذار و اثرپذیر اقتصاد سیاسی بر سازمان‌یابی فضایی کلانشهر رشت استفاده شده است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: قلمرو جغرافیایی این پژوهش، کلانشهر رشت می‌باشد.

یافته‌ها: یافته‌ها دلالت بر این دارند که در بین بخش‌های اقتصادی، کالبدی و سیاسی-مدیریتی اقتصادسیاسی، به ترتیب مؤلفه رانت زمین جهت ایجاد مراکز تجاری (اقتصادی)؛ تغییر در نظام توزیع کاربری‌ها (کالبدی) و شاخص عدم مقابله با رانت زمین در سیستم مدیریت شهری (سیاسی-مدیریتی) اثرگذارترین مؤلفه‌ها در سازمان‌یابی فضایی کلانشهر رشت هستند.

نتایج: برای بهبود شرایط در سازمانیابی فضایی کلانشهر رشت ضروری است که به مؤلفه‌های رانت زمین جهت ایجاد مراکز تجاری، تغییر در نظام توزیع کاربری‌ها و شاخص عدم مقابله با رانت زمین در سیستم مدیریت شهری توجه ویژه‌ای شود.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد سیاسی؛ اقتصاد رانتی، سازمانیابی فضایی؛ تکنیک دیماتل؛ کلانشهر رشت

مقدمه

در قرن بیستم، عوامل اقتصادی - سیاسی در مقایسه با عوامل دیگر، اهمیت بیشتری یافتند. عوامل مختلفی بر این تحول و دگرگونی‌ها تأثیر گذار بوده‌اند. اقتصاد سیاسی و مولفه‌های مختلف متأثر از آن یکی از این شاخص‌های تأثیر گذار بر روی تحولات و دگرگونی‌های فضاهای شهری است (کارگر و سرور، ۱۳۹۵: ۷۹-۳۳). اقتصاد سیاسی حاکم بر شهرها اساس مسائل شهری محسوب می‌شود. از این روست که در تحلیل‌ها و نظریه‌پردازی‌های فضای شهری، به اقتصاد سیاسی توجه بیشتر و نسبت به کارکردهای اجتماعی، اهمیت بیشتری قائل می‌شوند. عده‌ای اوضاع اقتصادی متأثر از تفکرات سیاسی خاص را در فضا سازی جغرافیایی، موثر می‌دانند. پس با توجه به اهمیت آن، برنامه‌ریزان شهری، در قرن حاضر در تحلیل فضای شهری باید به اقتصاد سیاسی، محلی، ملی و نتایج آن در کیفیت زندگی مردم توجه بیشتری کنند (حاتمی نژاد و عبدی، ۱۳۸۹: ۱۹۸).

اقتصاد سیاسی وابسته به نفت که در کشورهای در حال توسعه سبب ایجاد رانت می‌شود موجب بسیاری از تحولات و مشکلات خواهد شد. از رشد بی‌رویه فیزیکی در کلانشهرها، جدایی‌گزینی فضایی و سکونت در حومه‌های شهر گرفته تا سوداگری، رانت، نابرابری در توزیع خدمات و منابع شهری، بی‌عدالتی، شکاف طبقاتی و همه این عوامل باعث تحول در ساختار و سازمانیابی کلانشهرها می‌شود. از این رو برای ریشه یابی تحولات و سازمانیابی فضایی کلانشهرها ضروری است که به عوامل و معیارهای تأثیرگذار نظام اقتصادی سیاسی حاکم بر کلانشهرهای ایران بویژه کلانشهر رشت و تأثیراتی که بر سازمانیابی فضای شهری آن‌ها می‌گذارند، پرداخته شود. لذا این مقاله سعی دارد به این سوالات پاسخ دهد که: مؤلفه‌های موثر اقتصاد سیاسی بر سازمانیابی فضایی کلانشهر رشت کدامند؟ اثرگذارترین و اثرپذیرترین عوامل میان مؤلفه‌های اقتصاد سیاسی بر سازمانیابی فضایی کلانشهر رشت کدامند؟

اقتصاد سیاسی دانشی میان رشته‌ای مبتنی بر درک جامع فرآیندهای اجتماعی در قالب کنش‌های متقابل دولت و اقتصاد در ساخت و عملکرد بازار است (ایمانی شاملو و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۱). و به بررسی جریان‌های اجتماعی و نهادینی که از راه آن‌ها گروه‌های معینی از طبقات بر نفوذ اقتصادی سیاسی، منابع تولیدی کمیاب را در حال و آینده، در راستای منافع خود مهار می‌کنند؛ می‌پردازد (علوی تبار، ۱۳۷۴: ۲۸). در اقتصاد سیاسی بنیان امور بر پایه‌ی تحلیل نظام روابط دولت با مردم و ملت است که تأکید اصلی آن، بر چگونگی مدیریت امور اقتصادی به ویژه تولید و توزیع ثروت به عنوان اساس تولید اقتصاد در جامعه، از سوی دولت است (افراخته و حجتی پور، ۱۳۹۴: ۹۱). به همین دلیل، اقتصاد سیاسی، یکی از پایه‌های تحلیل فضای نظام‌های اجتماعی است و جغرافیدانان بیش از هر رشته دیگر وظیفه‌ی تشریح آن را دارند، زیرا دید جغرافیا دیدی ترکیبی است و برنامه‌ریزان شهری نقشی ویژه‌ای برای اقتصاد سیاسی فضای شهری قائلند (حاتمی نژاد و عبدی، ۱۳۸۹: ۶). با این طرز تفکر، جغرافیای کشورهای، نواحی شهرها و روستاها، حاصل کارکرد اقتصاد سیاسی می‌باشد. مکان و فضا را نیز اقتصاد سیاسی تولید می‌کند. در نظر برخی از جغرافیدانان مطالعه اقتصاد سیاسی باید در کانون تحلیل‌های جغرافیایی قرار گیرد. در حقیقت ریشه یابی چگونگی ظهور فرم فضایی فقط در قالب مطالعه فرایندهای فضایی است (شکوئی، ۱۳۸۱: ۱۰۰). رونالد جانسون در سال ۱۹۸۲ مفاهیم و تصورات متفاوتی را از ساختار فضایی شهری و منطقه‌ای پیشنهاد داد که بیشتر آنها بر اساس اقتصاد سیاسی می‌باشد (بریاسولیس، ۱۳۸۹: ۱۱۴). در رویکرد اقتصاد سیاسی فضا هر ایدئولوژی اقتصادی و هر فلسفه سیاسی، فضای جغرافیایی خاص خود را می‌سازد (امیری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۸). با چنین تحلیلی، تعبیرات شهری در راستای انباشت سرمایه شکل می‌یابد و فضاهای شهری که مانع انباشت سرمایه هستند، با هدف گردش سرمایه تغییر پیدا می‌کنند و از طریق آن سرمایه‌داری فرصت مناسبی در انباشت سرمایه و خروج از بحران فراهم می‌نماید. بنابراین فضا تبدیل به کالایی مانند هر کالای دیگر در جامعه تولید و مصرف می‌شود بدون آن که حساسیت سیاسی خاصی نسبت به آن شکل بگیرد. نظام سرمایه‌داری می‌تواند منجر به جوامع رانتی شود. در این نظام انگیزه‌ها، ساختار و حتی سیستم‌های باورپذیری وجود دارد که می‌تواند سناریوهای بسیار قابل قبولی برای ایجاد سیستم‌های مبتنی بر رانت به وجود آورد. نظام سرمایه‌داری بازتابی از فضا، زمان، مدرنیته و فناوری همراه با دگرگونی است (لوفور، ۱۳۹۱: ۵۲۴). که اولین نتیجه‌ی آن، انعکاس روابط طبقاتی یا به بیان کلی تر، بهره‌کشی و سود است. در واقع شهر در دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا مجموعه‌ای از تناقضات سرمایه داری است (پاپلی یزدی و رجبی، ۱۳۹۶: ۱۳۱). زیرا اقتصاد سیاسی فضا زمینه ساز قدرت و فرایندهای تولید فضایی است (Johansen, 2008:15).

هدف اقتصاد سیاسی فضا، کشف الگوهای فضایی فرآیند، تولید، توزیع، مصرف و نقش دولت، گروه‌ها و طبقات اجتماعی در شکل بخشی به آن الگوها است (پیران، ۱۳۷۰: ۸۱-۷۸). نگرش مزبور، ضمن توجه به علل شکل‌گیری سکونتگاه‌ها، تراکم بیش از اندازه شهرها و نابرابری‌های ناحیه‌ای را حاصل روند انباشت سرمایه می‌داند که در خلق نظام‌های سکونتگاهی ناهمگون اثری قاطع دارد (پیران، ۱۳۶۹: ۶۹). از این رو دیوید هاروی از نظریه پردازان رویکرد اقتصاد سیاسی فضا معتقد است: تفسیر ما از فرآیند شهری شدن در چهارچوب سرمایه داری بر "مدار انباشت" و "مبارزه طبقاتی" می‌چرخد. مفهومی که از فرآیند شهری شدن تحت نظام سرمایه داری ارائه می‌شود حاصل ملاحظه‌ی ارتباط آن با نظریه انباشت است (هاروی، ۱۳۹۴: ۴۵-۲۰). لذا تولید فضا پدیده‌ای در راستای تحکیم روابط انباشت، گردش، سود، به عنوان مؤلفه‌های اصلی سرمایه داری است. از طرفی برای اعمال موارد مذکور در فضای شهری نیاز به قدرت و هژمونی است که قدرت، جریان تولید فضا را به نفع سرمایه و سرمایه دار - طبقات مرفه جامعه - شکل می‌دهد (ایمانی شاملو و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۴). ولی در کشورهای در حال توسعه، بویژه کشورهای متکی به نفت افزایش درآمدهای نفتی موجب تمرکز سرمایه و رشد روزافزون شهرها می‌شود و به دنبال آن شاهد افزایش زیرساخت‌ها، رونق ساخت و سازها هستیم (Witlox & Derudder, 2007: 36). تولید نفت و استراتژی‌های لیبرالیستی به عنوان دو نیروی پیشران اساسی در انتقال این شهرها به فرآیند شهری مدرن محسوب می‌شود (Wiedmann, 2012: 47). در اختیار داشتن درآمدهای نفتی توسط دولت موجب می‌شود تا سود ناشی از صدور نفت به مرکز و کلانشهرهای کشور و نقاطی که اقتصاد سیاسی دیکته می‌کند سرازیر شود. در چنین شرایطی بحث سود، گردش و انباشت سرمایه و ارزش اضافی وارد ادبیات شهرسازی و تحولات فضایی این شهرها شده و بستر برای فعالیت‌های سوداگرانه فراهم می‌شود. به طور کلی درآمد نفتی به ساخت و ساز، صنایع وابسته، شهرگرایی و سرمایه گذاری در زیرساخت‌ها رونق می‌بخشد و فعالیت‌هایی نظیر رانت و سوداگری که مستقیماً تحت تأثیر سیاست‌های دولتی هستند پرنرنگتر می‌شوند (افراخته و حجتی‌پور، ۱۳۹۴: ۹۵). در چنین شرایطی در یک اقتصاد سیاسی فک شده و خودتنظیم گر در چارچوب اقتصاد رانتی، نهادهای کژکارکرد، اقتصاد کژکارکرد می‌پروراند و منجر به شکل‌گیری فضا یا شهر "کژبافت" یا "کژ اندام" می‌شود (اطهاری، ۱۳۸۹: ۶۵-۵۶). و تأثیرات شگرفی بر تحولات فضای کلانشهرها از جمله اشاعه فرهنگ سرمایه‌داری، مصرف‌گرایی، تغییر افکار شهروندان و افزایش تجمل‌گرایی می‌گذارد.

در کلانشهرها، اقتصاد متصل به رانت و اقتصاد نمایشی منجر به افزایش بی‌رویه مصرف‌گرایی می‌شود و ساماندهی مصرف از طریق توسعه این فضاها، نیازی کاملاً اساسی برای پویایی نظام سرمایه‌داری (فک شده) تبدیل شده است. مناسبات میان انباشت سرمایه و سطوح و لایه‌های حکمرانی به شکل دلهره‌آوری ناپایدارند. برخی حکومت‌های منطقه‌ای و محلی به اسارت صاحبان سرمایه در می‌آیند (هاروی، ۱۳۹۴: ۱۸۴). ثروت در اقتصاد رانتی در فضای کلانشهرها در اختیار افراد کمی قرار می‌گیرد و رانت اقتصادی به انحراف سیاسی کشور می‌انجامد. امروزه کلانشهرها نه تنها تبدیل به فضای قدرت سیاسی شده بلکه تبدیل به محور کلیه فعالیت‌های اقتصادی گردیده است. از دیدگاه لفر، شهر، فضای توسعه و دوام سرمایه‌داری به‌عنوان شیوه تولید است. پیامدهای منفی اقتصادی (رانتی)، تغییرات کاربری اراضی (با هدف سودآوری)، نابرابری‌های اقتصادی اجتماعی در فضا و عدم تعادل‌های فضایی در کلانشهرها است که منجر به بی‌ثباتی در نظام عملکردی آن می‌شود و استمرار چنین روندی سبب تغییرات زیادی در سازمانیابی فضای شهری و ناپایداری شهری می‌شود.

به همین دلیل تأثیر جریان سرمایه بر عدم تعادل فضایی و کلانشهرهای ایران بعد از پایان جنگ تحمیلی موجب تغییرات فضایی گسترده شد. در کلانشهرهای ایران به واسطه نظام سرمایه‌داری، رانت زمین و تراکم فروشی تغییرات و تمایزات فضایی زیادی شکل گرفت و زمین به منزله شرایط تولید فضا عمل کرد. از سویی با مصوبه خودکفایی شهرداری‌ها در سال ۱۳۷۳ فضای شهری در کانون مناسبات پیچیده اقتصاد رانتی و سوداگرانه قرار گرفت. به عبارتی تولید فضا بر گرفته از مناسبات اقتصادی - سیاسی فضا (تأثیر شگرف لابی قدرت و اقتصاد رانتی) شد و از رویکرد برنامه‌ریزی شهری و برنامه‌ریزی انسان محور پیروی نکرد (سعیدی‌فر و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶۴).

در پی تحولات اقتصاد سیاسی، روند تحولات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی در کشور بر روی کالبد شهرها و تحولات فضایی تأثیرات بسیاری گذاشت و بدین ترتیب دوگانگی و تضاد در روابط تولیدی و نیروهای مولد جامعه ایجاد شد که بازتاب فضایی آن ارائه سازمانیابی فضایی متفاوت و متضاد با یکدیگر است. نتیجه تمام این تحولات بی‌تعادلی و دوگانگی فضایی، اجتماعی و جدایی‌گزینی در کلانشهرها می‌باشد. رانت تورم‌زا، تحولات در زمین و مسکن، تأثیر پذیری قوانین و مقررات، سوداگری زمین و... از جمله عوامل موثر در این ناموزونی فضایی و کالبدی بخصوص اغلب کلانشهرهای ایران هستند (مسگریان و سرور، ۱۳۹۵: ۷-۶). مناطق

کلانشهری، کالایی در جهت اهداف اقتصاد رانتی و سوداگرانه شده‌اند. ایجاد مظاهر اقتصاد رانتی در ساختارهای اقتصادی، کالبدی، و سیاسی - مدیریتی قابل تحلیل است و این عوامل تاثیرات زیادی از سوی جریان و روابط اقتصاد رانتی خصوصا بورژوازی مستغلات دریافت نموده‌اند و بیشترین تغییرات فضایی را در کلانشهرها داشته‌اند. در مورد عامل اقتصادی تحلیل از چگونگی کارکرد نظام سرمایه‌داری بخصوص "ارزش زمین" مد نظر است. این گونه می‌توان درکی از تولید فضا و جغرافیای در حال تکوین را با گردش و انباشت سرمایه آشتی و آن‌ها را در ارتباط با فرایندهای شکل‌گیری بحران قرار دارد (هاروی، ۱۳۹۴: ۸۴). امروزه سیاست‌گذاری در امر زمین شهری، با در نظر گرفتن دو اصل کلی ایجاد کارایی در برنامه‌ریزی توسعه شهری و دسترسی به برابری یا عدالت اجتماعی، بیش از پیش ضروری گشته است (ماجدی، ۱۳۸۹: ۹۸).

عامل کالبدی نیز با دو معیار اصلی نظام توزیع کاربری موجود و ساختار شهری شناخته می‌شود. نظام توزیع کاربری و ساختار شهری موجود در رویکرد اقتصاد سیاسی نماینده فرم فضایی موجود است. که از طریق تقسیم در فضا و فرم فضایی خاص، اختلاف‌های طبقاتی گسترده و عمیقی را نشان می‌دهند. به عبارتی دیگر فرم فضایی موجود بیانگر وضعیت روابط اجتماعی مبتنی بر قدرت است. و موانع انباشت سرمایه را نمایندگی می‌کند (برهانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۹-۸۶). در ساختار سیاسی - مدیریتی اقتصاد سیاسی رانتی، پولشویی و فساد سیاسی - مدیریتی، دولت رانت جو و نفتی، رشوه‌خواری و نقص قوانین، فک شدگی ساختار سیاسی - مدیریتی، سیاست غیرپاسخ‌ده و رانت‌خوار، عدم مدیریت و نظارت بر کاربری اراضی مشهود است (هاروی، ۱۳۸۶: ۴۰-۲۵). پژوهش‌های متعددی به موضوع اقتصاد سیاسی و سازمانیابی شهرها اشاره کرده‌اند. از جمله سعیدی‌فر و همکاران (۱۳۹۷) با مقاله‌ای، تبیین بازتاب اقتصاد رانتی بر سازمان فضایی کلانشهرها (نمونه موردی: منطقه ۱ شهر تهران)، عوامل اقتصاد رانتی را بر تغییر سازمان فضایی منطقه ۱ تهران مؤثر می‌دانند. (خندان و همکاران، ۱۳۹۸)، در مقاله واکاوی عوامل مؤثر بر افزایش رانت زمین شهری در منطقه یک کلانشهر تهران، مؤلفه‌های اثرگذار و اثرپذیر رانت زمین را در شهر تهران بررسی کرده‌اند. امانپور و همکاران (۱۳۹۵). در تحقیق مذاقه ای آسیب شناسانه بر سازمان یابی فضایی و مدیریت کلانشهر تهران منطبق بر رهیافت‌ها و رهنمودهای منبعث از آرمان مدیریت یکپارچه در کشور، معتقدند: کلانشهر تهران وارث سیاست‌های تمرکزگرای یک نظام بسیط متمرکز نفتی است که دارای تفرق‌های عملکردی، قوانین، تکثرمنافع، اجتماعی، سیاسی، کالبدی و فضایی و اکولوژیک است. افراخته و حجتی‌پور (۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان، اقتصاد سیاسی فضا و تعادل منطقه ای ایران، اساس برنامه‌ریزی را، برقراری تعادل در نظام اجتماعی و از حیث جغرافیایی، متوازن و همگن نمودن واحدهای سرزمینی لازم دانسته‌اند. ایمانی شاملو و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله سوداگری شهری و واگرایی فضایی تحلیل تحولات فضایی کلان شهر تهران مبتنی بر اقتصاد نفت، مولفه‌های فضایی منبعث از نظام سرمایه داری، نقش سوداگری در تولید فضا و به تبع آن جدایی‌گزینی‌های فضایی در کلان شهر تهران مطالعه کرده‌اند. احمدی‌پور و لشگری (۱۳۹۱)، در مقاله ای با عنوان، برهمکنش فرایندهای تاریخی و اقتصاد سیاسی شهر، به بررسی رابطه تحولات تاریخی با فرایندها و ساختارهای تبعی آن در فضای شهری پرداخته‌اند. ویدمن و همکاران (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان، تحولات شهری دوحه: به بررسی تأثیر تحولات اقتصادی بر ساختار شهر، به نقش ویژگی اقتصادی و سیاسی در تولید فضا (با تأکید بر نظریه لوفور) پرداخته و تحولات کالبدی فضایی شهر را در ارتباط با ویژگی‌های اقتصاد کلان کشور مورد مطالعه قرار داده است. مهدوی‌وفا و همکاران (۱۳۸۸)، در مقاله نقش اقتصاد سیاسی در ساختار فضایی تهران و پیرامون، شاخص‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دولت و اقتصاد رانتی "اقتصاد رانتی" و به تبع آن "دولت رانتی" را برای ایران قابل تبیین دانستند. حاتمی‌نژاد و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان، اقتصاد سیاسی و فضای شهری، شهر را همچون موجودی زنده پیوسته دستخوش دگرگونی می‌دانند. (امیری و همکاران، ۱۳۹۲)، در کتاب، مدخلی بر اقتصاد سیاسی نظام شهری در ایران با تأکید بر کلانشهر تهران، به بررسی نقش سرمایه و سرمایه داران در اداره امور دولت‌ها و به تبع آن در اقتصاد و سیاست بین‌المللی و ظهور این روابط در نظام شهری پرداخته است. (Matthew, 1992)، در کتاب اقتصاد سیاسی شهری و منطقه‌ای، مسائل مربوط به سرمایه داری و تئوری رانت و تفکیک فضایی و مسائل و مشکلات آن را از دیدگاه مارکس کاملا توضیح داده است. (Harvey, 1973)، با کتاب عدالت اجتماعی و فضای شهری و تحولات داخلی آن بر مبنای اقتصاد شهری را بررسی کرد. (Harvey, 1985)، در کتاب شهری شدن سرمایه، چرخه دوم انباشت سرمایه در تولید محیط مصنوع، به مسائل اقتصاد سیاسی شهری و رانت شهری پرداخته است.

روش پژوهش

این پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ روش، روشی توصیفی - تحلیلی است. اطلاعات مربوط به پیشینه، مبانی نظری و شناخت شاخص‌ها به روش کتابخانه‌ای حاصل شده و داده‌های مورد تحلیل، به روش پیمایشی با ابزار پرسشنامه از نمونه آماری متشکل از ۳۰ نفر خبره در جامعه، توزیع و گردآوری شده‌اند. محدوده جغرافیایی مورد مطالعه این تحقیق، کلانشهر رشت است. و برای تجزیه و تحلیل جهت میزان اثرگذاری و شدت تاثیرگذاری از نرم افزار Excel و روش Dematel که از انواع روش‌های تصمیم‌گیری بر پایه مقایسه‌ی زوجی است استفاده شده است. روش دیمتل یا رویکرد Dematel در سال‌های ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۶ توسط موسسه Battle Memorial در ایتالیا ارائه گردید و امروزه در بسیاری از پروژه‌ها، از این روش بهره می‌گیرند. این تکنیک با بهره‌مندی از قضاوت خبرگان در استخراج عوامل یک سیستم و ساختاردهی سیستماتیک به آنها، با استفاده از اصول تئوری گراف‌ها، ساختار سلسله مراتبی از عوامل موجود در سیستم را با روابط تاثیرگذاری و تاثیرپذیری متقابل، عناصر را به دست می‌آورد به گونه‌ای که شدت اثر روابط را به صورت امتیازی عددی معین می‌کند (Mirghfour et al, 2016:90) (میرغفوری و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۰). از آنجا که دیاگراف‌ها (گراف‌های جهت دار) روابط عناصر یک سیستم را بهتر می‌توانند نشان دهند، لذا Dematel مبتنی بر نمودارهایی است که می‌تواند عوامل درگیر را به دو گروه علت و معلول تقسیم نماید و رابطه میان آن‌ها را به صورت یک مدل ساختاری قابل درک درآورد. مهمترین شاخصه‌ی روش «دیمتل» تصمیم‌گیری چند معیاره و عملکرد آن در ایجاد روابط و ساختار بین عوامل می‌باشد. این تکنیک علاوه بر تبدیل روابط علت و معلولی به یک مدل ساختاری - بصری، قادر است وابستگی‌های درونی بین عوامل را نیز شناسایی و آنها را قابل فهم کند (محمدپور و میرزاپور، ۱۳۹۰: ۱۲۳). (گام‌های مورد استفاده در دیمتل به صورت خلاصه در زیر آورده شده است:

گام اول: ایجاد ماتریس روابط مستقیم. به کمک یکی از روش‌های ایده آفرینی و تفکر گروهی در خبرگان مانند طوفان فکری، فکرنویسی، دلفی یا کنفرانس، فهرستی از عوامل موجود و موثر در مساله مورد بررسی از نظر گروه کارشناسان سازمان استخراج می‌شود و در رئوس یک دیاگراف قرار می‌گیرد.

گام دوم: تعیین روابط حاکم بین عوامل با مقایسه زوجی آن‌ها. با استفاده از نظر کارشناسان روابط حاکم بر ارتباطات بین رئوس مقایسات زوجی میان عوامل که $n \times n$ را تعیین و ماتریس معرف میزان تاثیر رابطه بین آنهاست را طبق نظر هر کارشناس تشکیل می‌شود.

جدول ۱. نظر کارشناسان روابط حاکم بر ارتباطات بین رئوس مقایسات زوجی

عبارت کلامی	عدد متناظر
بدون تاثیر	۰
تاثیرگذاری خیلی کم	۱
تاثیرگذاری کم	۲
تاثیرگذاری زیاد	۳
تاثیرگذاری خیلی زیاد	۴

منبع: حمزه‌پور و نبوی فرد، ۱۳۹۸: ۵۷

گام سوم: محاسبه ماتریس مستقیم با استفاده از مقایسات زوجی گروهی. ماتریس‌های حاصل از گام قبل را بررسی می‌کنیم و وجود یا عدم وجود رابطه نهایی بین دو عامل را توسط رای اکثریت کارشناسان تصمیم‌گیری کرده و ماتریس ارتباط مستقیم میانگین M تشکیل می‌شود.

گام چهارم: نرمال سازی ماتریس M. جمع سطری درایه‌های ماتریس M محاسبه و معکوس بیشترین آن در درایه‌های ماتریس M ضرب می‌شود. با این کار شدت نسبی حاکم بر روابط مستقیم تعیین می‌شود.

گام پنجم: محاسبه ماتریس روابط کل. در این گام ماتریس شدت نسبی موجود از روابط مستقیم و غیر مستقیم S با توجه به فرمول $T=N \times (I-N)-1$ محاسبه می‌شود.

گام ششم: رسم نمودار علی. نمودار علی بر اساس ترسیم زوج مرتب‌های (R+J, R-J) به دست می‌آید که درون‌بینی با ارزشی برای تصمیم‌گیری فراهم می‌کند. برای اینکار یک دستگاه مختصات دکارتی با محور طولی R+J و محور عرضی R-J رسم می‌شود که در آن موقعیت هر عامل با نقطه‌ای به مختصات (R+J, R-J) تعیین می‌گردد.

گام هفتم: مشخص نمودن سلسله مراتب یا ساختار ممکن معیارها. در این گام با مرتب کردن عوامل براساس مقادیر R و J و R+J و R-J حاصله از ماتریس S می‌توان یک ساختار و رتبه بندی ممکن از عوامل، به دست آورد.

گام نهم: رسم نقشه روابط شبکه. همچنین یک نقشه روابط شبکه (Network Relationships Map) NRM بین عوامل قابل رسم است. جهت رسم NRM باید ارزش آستانه روابط از طریق میانگین مقادیر ماتریس S محاسبه شود.

جدول ۱. مؤلفه‌های سنجش اقتصاد سیاسی در سازمانیابی فضایی شهر رشت

شاخص‌های مورد سنجش		
افزایش ساخت و ساز بی رویه و فعالیت‌های عمرانی توسط بخش خصوصی		M1
افزایش درآمد از فروش تراکم		M2
تزیین سرمایه صاحبان قدرت در بخش زمین و مسکن	توسعه زمین	M3
افزایش قیمت زمین و مسکن		M4
رانت زمین جهت ایجاد مراکز تجاری		M5
تصدی گری اقتصادی دولت در بخش فضای شهری		M6
تغییر در نظام توزیع کاربری‌ها		M7
سرمایه گذاری‌های سودآور در بخش زمین و مسکن		M8
افزایش تراکم ساختمانی و طبقات ساختمانی	کالبدی	M9
افزایش کاربری‌های تجاری		M10
تغییر در بافت مرکزی و هسته شهرها در نتیجه تغییر الگوی مصرف		M11
تغییرات در فرم فضایی شهری (محله‌های فقر و غنی)		M12
تغییر در ساخت و بافت شهری در نتیجه حداکثر بهره‌وری از فضای شهری		M13
وجود تصمیم‌گیران و مدیریت ناآشنا در سیستم مدیریت شهری		M14
نقض قوانین و مقررات کاربری اراضی در سیستم مدیریت شهری		M15
عدم نظارت و کنترل بر نظام کاربری اراضی	سازمانی و توسعه شهری	M16
عدم همکاری‌های ارگان‌های مرتبط با رانت خواری		M17
ضعف آگاهی شهروندان و عدم شفافیت اطلاعاتی		M18
تأثیر صاحبان قدرت و سرمایه بر فساد مدیران شهری مطابق منافع خود		M19
عدم مقابله با رانت زمین در سیستم مدیریت شهری		M20

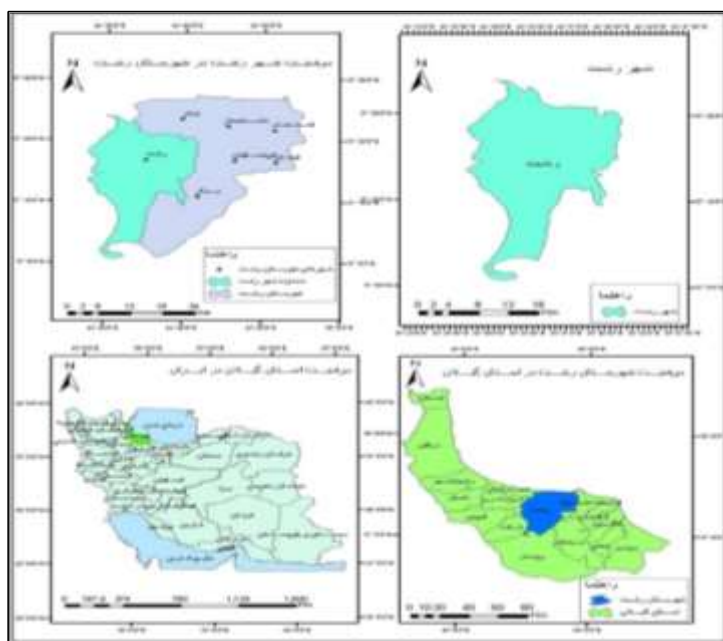
منبع: یافته پژوهش برگرفته از (خندان و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۴۷)، (سعیدی‌فروهمکاران، ۱۳۹۷: ۱۵۱)، (سرور و مسگریان، ۱۳۹۵: ۱۲-۹)، (هاروی، ۱۰۵: ۱۳۹۴-۱۰۰)، (برهانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۰-۹۸)، (ایمانی شاملو و همکار، ۱۳۹۵: ۱۰۸).

قلمرو جغرافیایی پژوهش

شهر رشت مرکز استان گیلان و بزرگترین شهر کناره دریای خزر است. این شهر از سمت شمال به بخش خمام، از سمت جنوب به دهستان لاکان و شهرستان رودبار، از سمت غرب به صومعه سرا و شهرستان شفت و از سمت شرق به بخش کوچصفهان و سنگر محدود می‌شود. مساحت محدوده شهری آن در سال ۱۳۹۵؛ ۱۰۱۶۳ هکتار و با حریم آن ۱۱۳۲۳ هکتار و از ۵ منطقه، ۱۵ ناحیه و ۵۵ محله شهری تشکیل شده است (<http://amar.rpcrasht.ir>). جمعیت شهر رشت با حومه آن در سرشماری سال ۱۳۹۵، ۹۵۶۹۷ نفر و تراکم جمعیت آن ۶۷ نفر در هکتار برآورد شده است (ضابط محبوب و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰). این شهر از شهرهای بزرگ کشور در رده‌ی جمعیتی ۵۰۰ هزار تا ۱ میلیون نفری قرار دارد (آمارنامه شهرداری رشت، ۱۳۹۵: ۵). از نظر طبیعی شهر رشت جزء کوچکی از جلگه گیلان است که در دشت‌های جنوبی دریای خزر واقع شده است. آب و هوای مساعد، خاک مناسب و بارش کافی، پتانسیل خوبی برای کشاورزی و توسعه فضاهای سبز در شهر و اطراف آن ایجاد کرده است بخش عمده

آن نیز بین دو رودخانه زرجوب در شرق و شمال شرقی و گوهررود از سمت جنوب و غرب شکل گرفته است. شکل‌گیری شهر و بستر آن کاملاً متأثر از محیط آن است، شیب کم، و جهت‌گیری شیب شهر به سمت دریا، و وجود آب وهوای مردابی در شمال آن همگی متأثر از محیط طبیعی شهر است (طرح جامع شهر رشت، ۱۳۸۶: ۸). شکل (۱) جایگاه کلانشهر رشت در تقسیمات کشوری. این شهر با عملکردهای متنوع و گسترده اقتصادی و اجتماعی از موقعیت ممتاز منطقه‌ای بهره‌مند بوده و علاوه بر تسلط همه جانبه در منطقه شهری خود، بر کانون‌های شهری و روستایی سراسر ناحیه نفوذ خدماتی مؤثری دارد. شهر رشت با توسعه فضایی و کالبدی از یک طرف، به سرعت جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی را به نواحی حاشیه‌ای سوق می‌دهد و از طرف دیگر با جذب امکانات شهرهای اقماری، تغییرات شگرفی را در کالبد شهری خود ایجاد کرده و بازتاب‌های متنوعی را از نظر تراکم و تمرکز جمعیت، رشد و گسترش شتابان و ناموزون شهری، ادغام روستاهای پیرامون و روند اشغال اراضی کشاورزی ایجاد کرده است (پورشیخیان و ناظریان، ۱۳۸۹: ۳۳).

طرح جامع شهر رشت در سال ۱۳۸۶، روند شکل‌گیری کالبد و فرم ساختار شهر رشت را در سه محدوده‌ی شکل‌گیری و در دوره‌های مختلف مورد بررسی قرار داده است. محدوده‌ی اول: شکل اولیه و مرکزی شهر مربوط به زمانی است که بازار به‌عنوان محور محدوده‌ی شرقی - غربی فعالیت غالب داشت و توسعه‌ی شهر حول آن ایجاد شده است. این نحوه‌ی رشد که در امتداد راسته‌ی بازار صورت گرفت باعث به وجود آمدن شکل هسته‌ای - خطی در مرکز شهر شده است. محدوده‌ی دوم: توسعه‌ی شهر در اطراف هسته‌ی اولیه شکل گرفت و با ایجاد شبکه‌های ارتباطی جدید با هسته‌ی اولیه شهر ارتباط برقرار کرد و باعث به وجود آمدن شکل شعاعی شهر شده است. محدوده‌ی سوم: با گسترش شهر و قوی‌تر شدن ارتباط رشت با سایر شهرها و در امتداد راه‌ها به وجود آمده است. در این محدوده رشد شهر به صورت قطاعی در نقاط پراکنده و بیرون از فرم هسته‌ای شهر بوده است (آمارنامه شهرداری رشت، ۱۳۹۵: ۹).



شکل ۱. جایگاه محدوده مورد مطالعه در تقسیمات کشوری

یافته‌ها و بحث

برای تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق، و میزان اثرگذاری و اثرپذیری مؤلفه‌ها و در نهایت شناخت مؤلفه‌های مؤثر اقتصاد سیاسی بر سازمانیابی فضایی کلانشهر رشت، از تکنیک Dematel استفاده شد. بر طبق جدول (۲) مقدار (J) جمع عناصر هر سطر: نشان دهنده میزان تأثیرگذاری آن عامل بر عامل‌های دیگر است و مقدار (R) جمع عناصر ستون برای هر عامل نشان‌دهنده میزان تأثیرپذیری آن عامل از عامل‌های دیگر است. در همین راستا، مقدار بردار افقی (R+J) میزان تأثیر و تأثر عامل موردنظر است. به عبارتی هر چه مقدار بردار افقی بیشتر باشد، آن عامل تعامل بیشتری با عامل‌های دیگر دارد. و برترین رتبه را دارد.

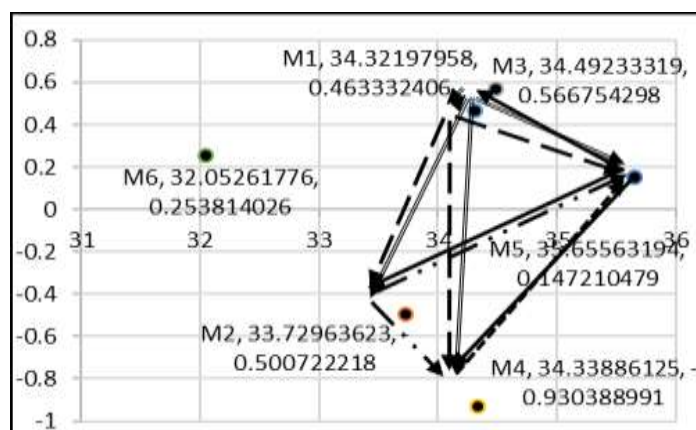
همچنین مقدار بردار عمودی (R-J) قدرت تأثیرگذاری هر عامل را منعکس می‌کند. اگر این عامل مثبت باشد، متغیر علی و اگر منفی باشد، معلول محسوب می‌شود. بدین ترتیب که متغیرهای مثبت رتبه‌های بالا و متغیر منفی رتبه‌های پایین جدول و نمودار را بدست می‌آورند.

جدول ۲. ماتریس روابط کل نتایج نهایی شاخص‌ها

رتبه	R-J	رتبه	R+J	J	R	معیار	متغیر
۲	۰/۴۶	۴	۳۴/۳۲	۱۶/۹۳	۱۷/۳۹	اقتصادی	M1
۵	-۰/۵۱	۵	۳۳/۷۳	۱۷/۱۲	۱۶/۶۱		M2
۱	۰/۵۷	۲	۳۴/۴۹	۱۶/۹۶	۱۷/۵۳		M3
۶	-۰/۹۳	۳	۳۴/۳۴	۱۷/۶۳	۱۶/۷۰		M4
۴	۰/۱۵	۱	۳۵/۶۶	۱۷/۷۵	۱۷/۹۰		M5
۳	۰/۲۵	۶	۳۲/۰۵	۱۵/۹۰	۱۶/۱۵		M6
۲	۰/۴۳	۱	۱۶/۱۵	۷/۸۶	۸/۲۹		M7
۳	۰/۲۰	۲	۱۵/۲۱	۷/۵۰	۷/۷۰		M8
۴	-۰/۱۲	۵	۱۴/۷۸	۷/۴۵	۷/۳۳		M9
۵	-۰/۱۸	۴	۱۴/۹۳	۷/۵۶	۷/۳۸		M10
۶	-۰/۳۹	۶	۱۳/۷۴	۷/۰۶	۶/۶۸	M11	
۷	-۰/۵۶	۷	۱۴/۰۶	۷/۳۱	۶/۷۵	M12	
۱	۰/۶۱	۳	۱۴/۹۹	۷/۱۹	۷/۸۰	M13	
۱	۱/۲۱	۴	۵۹/۶۰	۲۹/۲۰	۳۰/۴۱	سیاسی - مدیریتی	M14
۴	-۰/۱۲	۳	۵۹/۸۱	۲۹/۹۷	۲۹/۸۴		M15
۷	-۰/۸۶	۶	۵۸/۲۷	۲۹/۵۷	۲۸/۷۱		M16
۵	-۰/۴۰	۷	۵۷/۰۱	۲۸/۷۰	۲۸/۳۰		M17
۶	-۰/۷۳	۵	۵۹/۳۹	۳۰/۰۱	۲۹/۲۸		M18
۲	۰/۴۶	۲	۵۹/۹۷	۲۹/۷۵	۳۰/۲۱		M19
۳	۰/۴۴	۱	۶۰/۴۸	۳۰/۰۲	۳۰/۴۶		m20

در بخش اقتصادی، حضور فعالیت‌های غیرتولیدی نظیر سوداگری در بازار زمین و مسکن بسیار بالاست. در واقع سوداگران زمین، در شرایطی که نظارت و کنترل صحیحی بر این بازار وجود نداشته باشد، می‌توانند با بهره‌گیری از این ویژگی بازار، به سود های کلان و نامتعارف دست یابند (امیری و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۴). با توجه به مطالب فوق و بر طبق رابطه (R+J) (بردار اهمیت)، مؤلفه رانت زمین جهت ایجاد مراکز تجاری با کسب ۳۵/۶۶ امتیاز، بیشترین اثرگذاری را بر سایر شاخص‌ها دارد و نشان‌دهنده بیشترین شدت رابطه می‌باشد. به طوری که اگر در فضای شهری رشت، زمین به نحوی فروش برسد که علاوه بر سود زیاد سازندگان ساخت مراکز تجاری بزرگ و پاساژها، سود می‌تواند منجر به رانت و ارزش افزوده زمین شهری شود همچنین شهرداری با فروش تراکم مازداد زمین و ساختمان به فعالان و سازندگان ساختمانی باعث رانت می‌شود و سپس با دریافت بخشی از این رانت به صورت عوارض تراکم زمین و ساختمان، منابع درآمدی خود را تعیین می‌کند. در حالت کلی هر چه میزان قیمت زمین در مناطق با ارزش شهری بالاتر باشد زمینه برای افزایش سوداگری و رانت طلبی در این مناطق مهیا می‌شود. به همین دلیل این شاخص در بین مؤلفه‌های مورد ارزیابی بیشترین اثرگذاری و اهمیت را از دید کارشناسان شهری دارد. همچنین شاخص تزریق سرمایه صاحبان قدرت در بخش زمین و مسکن با ۳۴/۴۹ امتیاز جایگاه دوم قرار گرفت در این بخش پیوند ناگسستنی بین صاحبان قدرت، سرمایه گزاران بخش زمین و صاحبان قدرت سیاسی بخصوص مدیران شهری بوجود می‌آید. رانت جویان زمین که از آن‌ها به عنوان سرمایه گزاران زمین نام برده می‌شود با لابی‌گری و گرفتن ارتباط و اطلاعات از مدیران شهری به زمین مرغوب شهری دسترسی

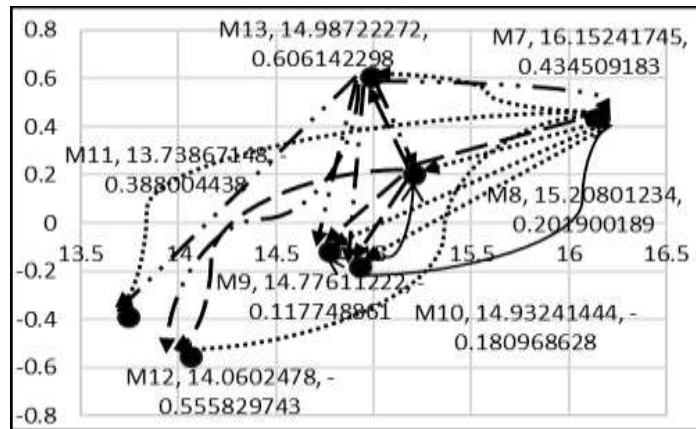
پیدا می‌کنند. در صورتی که سایر اقشار از این حیث بی‌بهره‌اند و این موضوع می‌تواند پیامدهای ناهمگونی اقتصادی برای شهر رشت ایجاد کند. که نوعی بی‌عدالتی فضایی در سازمانیابی فضایی کلانشهر رشت به دلیل انباشت سرمایه در دست گروهی با نفوذ و خاص به وجود می‌آید. و مؤلفه افزایش قیمت زمین و مسکن با ۳۴/۳۴ امتیاز در جایگاه سوم واقع شد. بدین صورت که به علت تورم زابودن بخش ساخت‌وساز و امکان رانت خواری زمین، مناطقی که از ارزش زمین بالاتری برخوردارند به دلیل صرفه اقتصادی زمینه رانت طلبی و رفتارهای سوداگرانه را افزایش می‌دهند. همچنین بر طبق رابطه (R-J) و شکل (۲) در بین مؤلفه‌های اقتصادی اقتصادی سیاسی، مشخص شد که مؤلفه‌های تزریق سرمایه صاحبان قدرت در بخش زمین و مسکن، افزایش ساخت و ساز بی‌رویه و فعالیت‌های عمرانی توسط بخش خصوصی، تصدی‌گری اقتصادی دولت در بخش فضای شهری، رانت زمین جهت ایجاد مراکز تجاری، افزایش درآمد از فروش تراکم، افزایش قیمت زمین و مسکن به ترتیب دارای اولویت نفوذ در سازمانیابی فضایی کلانشهر رشت هستند. مؤلفه تزریق سرمایه صاحبان قدرت در بخش زمین و مسکن بیشترین اثرگذاری و مؤلفه افزایش قیمت زمین و مسکن بیشترین اثرپذیری را سازمانیابی فضایی کلانشهر رشت دارند.



شکل ۲. رابطه علی و ارتباط معیارهای اقتصادی با تکنیک Dematel

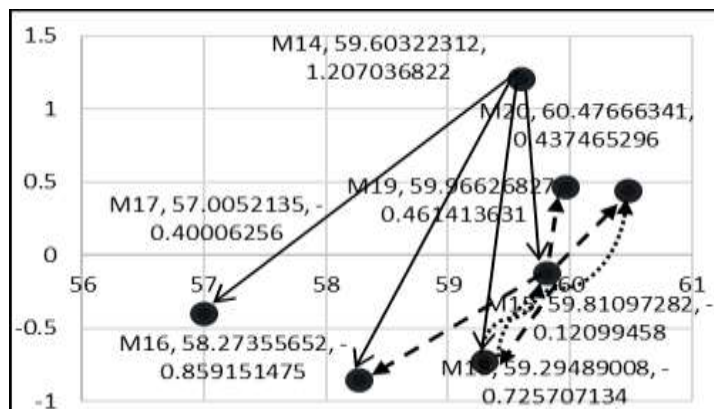
بر طبق رابطه (R+J) در بخش کالبدی، مؤلفه تغییر در نظام توزیع کاربری‌ها با ۱۶/۱۵ امتیاز در جایگاه اول، که بعد از آن مؤلفه سرمایه‌گذاری‌های سودآور در بخش زمین و مسکن با ۱۵/۲۱ امتیاز در جایگاه دوم و تغییر در ساخت و بافت شهری در نتیجه حداکثر بهره‌وری از فضای شهری با امتیاز ۱۴/۹۹ در جایگاه سوم قرار گرفتند. که بیشترین اثرگذاری در شهر رشت را نشان می‌دهند. امروزه تحول کاربری اراضی به عنوان فرآیندی موثر در فضای شهری مطرح است. عدم برنامه ریزی و مدیریت صحیح در شهرها سبب تغییرات و مشکلات زیادی در شهرها شده است. عوامل جمعیتی، مهمترین عامل در زمینه تغییر کاربری اراضی در شهر است از دیدار روزافزون جمعیت باعث شده در زمینه ساماندهی کاربری اراضی در شهر با مشکل مواجه شویم. به طوری که بسیاری از اراضی کشاورزی حاشیه شهر با ازدیاد جمعیت تغییر کاربری داده است. صدور مجوز تغییر کاربری باغات و زمین‌های شهری، سبب می‌شود بعد از مدتی ساخت‌وساز در منطقه رونق یابد و سرمایه‌گذاری‌های سودآور زیادی در بخش زمین و مسکن صورت گیرد. در نتیجه باعث بالا رفتن ارزش افزوده زمین‌ها می‌شود و دیگر توجیهی برای حفظ کاربری کشاورزی و باغ ندارند و از نظر اقتصادی به نفع همه است تا زمین به کاربری تجاری یا مسکونی تغییر کاربری دهد. به تدریج همه باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی به برج‌های تجاری و مسکونی و خدماتی تبدیل خواهند شد. در این بخش، صاحبان قدرت و ثروت شهری، سرمایه‌گذاری‌های کلان و سودآوری بدون در نظر گرفتن نظام کاربری اراضی شهری انجام می‌دهند. نتیجه این امر موجب رانت در بخش زمین و مسکن و تغییر در ساخت و بافت شهری و حداکثر بهره‌وری از فضای شهری می‌شود. به عبارت دیگر فرم فضایی موجود اگر مانعی بر سر انباشت سرمایه باشد شرایطی به وجود می‌آید که تغییرات کاربری را تسهیل می‌کند. میزان کاربری تجاری و نسبت آن با کاربری مسکونی و کاربری فضای سبز و فضای تفریحی نشان‌دهنده غلبه طبقه سرمایه‌دار و نقش آن در تعیین کاربری فضا و به ضرر کاربری‌های عمومی است (برهانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۹-۸۶). همچنین با استفاده از رابطه (R-J) و شکل (۳) نمودار علی و رابطه معیارهای کالبدی، مؤلفه‌های تغییر در ساخت و بافت شهری در نتیجه حداکثر بهره‌وری از فضای شهری، تغییر در نظام توزیع کاربری‌ها، سرمایه‌گذاری‌های سودآور در بخش زمین و مسکن، افزایش تراکم ساختمانی و

طبقات ساختمانی، افزایش کاربری‌های تجاری، تغییر در بافت مرکزی و هسته شهرها در نتیجه تغییر الگوی مصرف و تغییرات در فرم فضایی شهری (محل‌های فقر و غنی) به ترتیب دارای اولویت نفوذ در سازمانیابی فضایی کلانشهر رشت هستند. مؤلفه تغییر در ساخت و بافت شهری در نتیجه حداکثر بهره‌وری از فضای شهری بیشترین اثرگذاری و مؤلفه تغییرات در فرم فضایی شهری (محل‌های فقر و غنی) بیشترین اثرپذیری را در سازمانیابی فضایی کلانشهر رشت دارند.



شکل ۳. رابطه علی و ارتباط معیارهای کالبدی با تکنیک Dematel

نقش عامل سیاسی - مدیریتی در سازمانیابی فضایی شهرها به طور معمول غیر مستقیم است، که معمولاً از طریق کمک به موسسات مالی و شرکت‌های ساختمانی، معافیت‌های مالیاتی، تضمین سود و کم کردن مخاطرات سرمایه‌گذاری، منطقه‌بندی و طرح‌های کاربری زمین و تخصیص و توسعه بسیاری از خدمات، تأسیسات و تجهیزات شهری، اعمال می‌گردد (هاروی، ۱۳۸۶: ۲۵-۴۰). بر طبق رابطه (R+J) در بخش سیاسی - مدیریتی، مؤلفه عدم مقابله با رانت زمین در سیستم مدیریت شهری با ۶۰/۴۸ امتیاز و تاثیر صاحبان قدرت و سرمایه بر فساد مدیران شهری مطابق منافع خود با امتیاز ۵۹/۹۷ و نقض قوانین و مقررات کاربری اراضی در سیستم مدیریت شهری با امتیاز ۵۹/۸۱ در جایگاه اول تا سوم واقع شده‌اند. مدیریت زمین مهمترین بخش از مدیریت شهری بوده و تاثیر بسیاری بر کیفیت و روند توسعه شهری دارد. الگوی کنونی مدیریت زمین شهری در ایران تحت تاثیر عواملی از جمله تمرکزگرایی در ساختار قدرت، موازی کاری‌های نهادی، واسطه‌گری، ضعف بسترهای قانونی، زمینه ساز بروز ناپایداری کالبدی - فضایی به خصوص در کلانشهرها گردیده است. اقداماتی مانند فروش تراکم، تغییر کاربری زمین و جرائم تخلفات ساختمانی به دلیل اینکه برای مدیریت شهری درآمد زایی دارد زمینه شکل گیری رانت را افزایش می‌دهد. بروز فساد و تأمین سلامت اداری در عرصه مدیریت شهری به یکی از مهمترین معضلات سازمان‌های مرتبط با مدیریت شهری (شهرداری‌ها) بدل شده است. در نتیجه شبکه‌بندی قدرت سیاسی و مدیریتی نیز تقویت می‌شود، همه‌ی اینها نیروهایی چون گروه‌های صاحبان قدرت و سرمایه را توانمندتر می‌کنند. این تغییرات، طبقه سرمایه‌دار و حاکم را با تولید ارزش اضافی قدرت بخشیده و فضاهای شهری را انحصاری و خصوصی کرده است و آنها را برای رانت‌جویی و تمرکز و سلطه بر بافت و سازمانیابی فضای شهری خواسته و ناخواسته ترغیب می‌کنند. همچنین بر طبق شکل (۴) نمودار علی و رابطه معیارهای سیاسی - مدیریتی و رابطه (R-J) مشخص شد مؤلفه‌های وجود تصمیم‌گیران و مدیریت ناآشنا در سیستم مدیریت شهری، تاثیر صاحبان قدرت و سرمایه بر فساد مدیران شهری مطابق منافع خود، عدم مقابله با رانت زمین در سیستم مدیریت شهری، نقض قوانین و مقررات کاربری اراضی در سیستم مدیریت شهری، عدم همکاری‌های ارگان‌های مرتبط با رانت خواری، ضعف آگاهی شهروندان و عدم شفافیت اطلاعاتی، عدم نظارت و کنترل بر نظام کاربری اراضی به ترتیب دارای اولویت نفوذ در سازمانیابی فضایی کلانشهر رشت هستند.



شکل ۴. رابطه علی و ارتباط معیارهای سیاسی - مدیریتی با تکنیک Dematel

بنابراین با بررسی شدت روابط، از طریق رابطه کمی (R-J) متوجه می‌شویم که همه روابط موجود در مدل از شدت و قوت یکسان برخوردار نیستند. به طوری که در بین مؤلفه‌های اقتصادی، افزایش درآمد از فروش تراکم، افزایش قیمت زمین و مسکن، در بین مؤلفه‌های کالبدی تغییرات در فرم فضایی شهری (محل‌های فقر و غنی)، تغییر در بافت مرکزی و هسته شهرها در نتیجه تغییر الگوی مصرف، افزایش کاربری‌های تجاری، افزایش تراکم ساختمانی و طبقات ساختمانی، در بین مؤلفه‌های سیاسی - مدیریتی عدم نظارت و کنترل بر نظام کاربری اراضی با مقدار، ضعف آگاهی شهروندان و عدم شفافیت اطلاعاتی، عدم همکاری های ارگان‌های مرتبط با رانت خواری، نقض قوانین و مقررات کاربری اراضی در سیستم مدیریت شهری به علت اینکه شاخص‌های منفی هستند، تاثیر پذیرند. بنابراین سازمانیابی فضایی کلانشهر رشت بر طبق یک برنامه صحیح پیش نرفته و فضای رانتی در سطح کلانشهر غالب شده است.

نتیجه‌گیری

اقتصاد سیاسی و مؤلفه‌های متاثر از آن یکی از شاخص‌های تاثیر گذار بر روی تحولات و دگرگونی‌های سازمانیابی فضایی کلانشهرها است. کلانشهر رشت بعنوان بزرگترین نقطه شهری حاشیه‌ی جنوبی دریای خزر و یازدهمین شهر بزرگ ایران محسوب می‌شود. توسعه و گسترش شتابان این کلانشهر تاثیرات زیادی بر تحولات فضایی آن گذاشته است. آنچه مسلم است تحولات اقتصاد سیاسی این شهر سبب تغییر در فضای کالبدی آن شده است. در این شهر تغییرات در مساحت، ابعاد و جمعیت ... کاملاً مملوس است. نتیجه چنین پیامدی بی‌عدالتی و دوگانگی فضایی است. رانت، تحولات در زمین و مسکن، تاثیر پذیری قوانین و مقررات، سوداگری زمین و... از جمله عوامل موثر در این ناموزونی فضایی و کالبدی در کلانشهر رشت است. هدف اصلی این تحقیق نیز شناسایی مؤلفه‌های مؤثر اقتصادسیاسی بر سازمانیابی فضایی کلانشهر است. بر طبق یافته‌های تحقیق با تکنیک دیمتل، سه عامل اقتصادی، کالبدی و سیاسی - مدیریتی اقتصادی سیاسی بر سازمانیابی فضایی کلانشهر رشت نقش دارند. در بخش اقتصادی، رانت زمین جهت ایجاد مراکز تجاری، در بخش کالبدی تغییر در نظام توزیع کاربری‌ها و در بخش سیاسی - مدیریتی شاخص عدم مقابله با رانت زمین در سیستم مدیریت شهری مهمترین مؤلفه‌های مؤثر اقتصادسیاسی در تغییر شکل سازمانیابی فضایی کلانشهر رشت هستند. اما در بررسی میزان اثر پذیری و اثرگذاری عوامل اقتصادی، کالبدی و سیاسی - مدیریتی به این نتیجه رسیدیم که در بخش اقتصادی، کلانشهر رشت بیشتر تحت تاثیر افزایش قیمت زمین و مسکن است که باید با کنترل و برنامه ریزی صحیح مشکل افزایش قیمت زمین و مسکن در شهر رشت برطرف کرد، تا سبب دگرگونی و بی‌نظمی در سازمانیابی فضایی کلانشهر رشت نشود. اما آنچه که موجب این مشکل و دگرگونی می‌شود، تزریق سرمایه صاحبان قدرت در بخش زمین و مسکن است که در این مورد نیز باید با نظارت دقیق نهادها چه در بخش دولتی و چه بخش خصوصی، افزایش قیمت زمین و مسکن را کنترل کرد. در بخش کالبدی، کلانشهر رشت بیشتر تحت تاثیر تغییرات در فرم فضایی شهری (محل‌های فقر و غنی) است. در این مورد با بی‌عدالتی و دوگانگی فضایی در شهر رشت روبه رو هستیم. چنین فضاهایی در عرصه شهرها، زمینه‌ساز دستیابی به اهداف عدالت فضای شهری است که برای نیل به این هدف با ارتباط و همکاری دولت در سطح منطقه‌ای، محلی و بخش عمومی (شهرداری و شورای شهر) و بخش مردمی (نهادهای مدنی و نهادهای بخش خصوصی) از طریق

تاسیس نهاد مردمی با مشارکت ساکنین شهری در جهت مشارکت در فرایند تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرا در برنامه‌های شهری و نظارت بر آن تغییرات فرم فضای شهری را به حداقل رساند. اما آنچه که بیشتر از همه سبب این تغییر می‌شود، تغییر در ساخت و بافت شهری در نتیجه حداکثر بهره‌وری از فضای شهری است که باید با اقدامات و تصویب و اجرا قوانین ضد رانتهی همراه با کنترل نهادهای مدنی پر قدرت از تغییر فرم فضای شهری جلوگیری کرد.

در بخش سیاسی - مدیریتی مؤلفه‌های وجود تصمیم‌گیران و مدیریت ناآشنا در سیستم مدیریت شهری بیشترین اثرگذاری و عدم نظارت و کنترل بر نظام کاربری اراضی بیشترین اثرپذیری را دارند. مؤلفه وجود تصمیم‌گیران و مدیریت ناآشنا در سیستم مدیریت شهری، منجر به عدم نظارت و کنترل بر نظام کاربری اراضی در شهر رشت شده و نتیجه‌ی آن تغییر در سازمانیابی فضایی کلانشهر رشت شده است. برای برون رفت از چنین پدیده‌ای باید به اصلاح نظام مدیریت شهری، آموزش گروهی از متخصصان و کارشناسان شهرداری مرتبط با پروژه‌های عمرانی شهری در کلانشهر رشت، پرداخت تا از تغییر شکل و دگرگونی سازمان فضایی کلانشهر رشت جلوگیری کرد. بنابراین راهکارهای زیر به‌منظور بهبود شرایط ارائه می‌گردد:

- افزایش کنترل و نظارت نهادهای مدنی و مردمی بر عملکرد ارگان‌ها و سازمان‌های خصوصی در زمینه ساخت و ساز و تراکم فروشی و ساخت پروژه‌های رانتهی در کلانشهر رشت.
- اقدامات و تصویب و اجرا قوانین ضد رانتهی همراه با کنترل نهادهای مدنی پر قدرت.
- جریان آزاد اطلاعات و ایجاد شفافیت در ارائه اطلاعات در کلانشهر رشت.
- آموزش گروهی از متخصصان و کارشناسان شهرداری مرتبط با پروژه‌های عمرانی شهری در کلانشهر رشت.
- مشارکت شوراهای محلی در نظام مدیریت شهری و کنترل بهینه آن و غیره.
- سیاست‌گذاری مناسب توزیع تراکم ساختمانی، متناسب با ساختار و سازمان فضایی در کلانشهر رشت.
- اصلاح نظام مدیریت شهری.

تقدیر و تشکر

این پژوهش مستخرج از رساله دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری بوده که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر از آن دفاع خواهد شد.

منابع

- آمارنامه شهرداری رشت. (۱۳۹۵). معاونت برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه انسانی مدیریت نوسازی و تحول اداری. گروه آمار و تحلیل اطلاعات.
- احمدی پور، زهرا و لشگری، احسان. (۱۳۹۱). برهمکنش فرایندهای تاریخی و اقتصاد سیاسی شهر (مطالعه موردی: نظام شهری ایران پس از انقلاب مشروطه). فصلنامه سپهر، ۲۱(۸۱)، ۲۱-۱۵.
- اطهری، کمال. (۱۳۸۹). اقتصاد شهری و اقتصاد شهری در ایران. مجله اقتصاد شهر، ۷، بخش ویژه، ۶۵-۵۶.
- افراخته، حسن و وحی‌پور، محمد. (۱۳۹۴). اقتصاد سیاسی فضا و تعادل منطقه‌ای ایران. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۴(۴)، ۱۱۰-۸۷.
- امانپور، سعید و داداشپور، هاشم. (۱۳۹۵). سوداگری شهری و واگرایی فضایی تحولات فضایی کلانشهر تهران مبتنی بر اقتصاد نفت. فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱(۴۱)، ۱۳۵-۱۰۴.
- بابایی، حمیدرضا؛ آفاق‌پور، آتوسا و فرجی، امین. (۱۳۹۵). تحلیل سازمان‌یابی فضایی و تحولات نظام شهرهای ایرانی - اسلامی (مطالعه موردی: استان قزوین). فصلنامه مطالعات شهرآیرونی اسلامی، ۷(۲۴)، ۶۳-۴۳.
- برهانی، کاظم؛ رفیعیان، مجتبی و مشکینی، ابوالفضل. (۱۳۹۶). سعید و سجادیان، مهیار. (۱۳۹۵). مذاقه‌ای آسیب‌شناسانه بر سازمان‌یابی فضایی و مدیریت کلانشهر تهران منطبق بر رهیافت‌ها و رهنمودهای منبعث از آرمان مدیریت یکپارچه در کشور. فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس، ۱(۳۰)، ۸۷-۱۲۵.
- امیری، مهین‌دوخت؛ مطلق، محمدتقی؛ مهدی‌زاده، جواد؛ صراف‌زاده، هایده؛ جهانشاهی، محمدحسین و پیرزاده‌نهوچی، محمدحسین. (۱۳۹۲). برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری (تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران). تهران: انتشارات آرمانشهر.
- ایمانی شاملو، جواد؛ رفیعیان، مجتبی. تغییرات کاربری زمین شهری و اقتصاد سیاسی ضا: ارائه مدل مفهومی - تلفیقی. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۸(۳)، ۱۰۹-۸۶.

- برياسوليس، هلن. (۱۳۸۹). *الگوهای تحلیلی تغییر کاربری زمین، رویکردهای نظری و مدل‌سازی*. ترجمه: رفیعیان، مجتبی؛ محمودی، مهران. تهران: آذرخش.
- پاپلی یزدی، محمدحسین و رجبی سناجردی، حسین. (۱۳۹۶). *نظریه‌های شهر و پیرامون*. چاپ دهم، تهران: سمت.
- پورشخیان، علیرضا. (۱۳۸۹). پیدایش منطقه کلان شهری و بازتاب فضایی آن، مطالعه موردی شهر رشت. *جغرافیایی سرزمین*، ۷(۲۷)، ۵۱-۳۳.
- پیران، پرویز. (۱۳۶۹). دیدگاه‌های نظری در جامعه شناسی شهر و شهرنشینی. *مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی*. شماره ۴۰.
- پیران، پرویز. (۱۳۷۰). دیدگاه‌های نظری در جامعه شناسی شهر و شهرنشینی: تحولات واحد پول ایران و نرخ برابری. *مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ۵۲-۵۱.
- حاتمی‌نژاد، حسین و عبدی، ناصر. (۱۳۸۹). اقتصاد سیاسی فضای شهری. *مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ۲۳۸، ۲۰۵-۱۹۶.
- حمزه‌پور، مهدی و نبوی فرد، سید مجتبی. (۱۳۹۸). *دیمتل (آزمایشگاه ارزیابی و آزمون تصمیم‌گیری)*. انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی تهران.
- خندان، مینا؛ جهانشاهلو، لعلا، و ذبیحی، حسین. (۱۳۹۸). واکاوی عوامل مؤثر بر افزایش رانت زمین شهری در منطقه یک کلانشهر تهران. *فصلنامه جغرافیا برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۹(۲)، ۲۵۵-۲۳۹.
- سرور، رحیم و مسگریان، هومن. (۱۳۹۵). بررسی نقش مؤلفه‌های تاثیر گذار اقتصاد سیاسی بر سازمانیابی فضایی شهری با تاکید بر تهران، چهارمین کنگره بین المللی عمران، معماری و توسعه شهری (۱-۱۶)، دانشگاه شهید بهشتی، ۲۷-۲۹ تهران، ایران.
- سعیدی فرد، فرانک؛ رضویان، محمدتقی و قورچی، مرتضی. (۱۳۹۷). تبیین بازتاب اقتصاد رانتی بر سازمان فضایی کلانشهرها (نمونه موردی: منطقه ۱ شهر تهران). *پژوهش‌های دانش زمین*، ۹(۳۴)، ۱۴۴-۱۰۹.
- شکویی، حسین. (۱۳۸۱). *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا*. جلد اول. تهران: انتشارات گیتاشناسی.
- طرح جامع شهر رشت. (۱۳۸۶). شناخت وضع موجود شناسایی کاربری زمین و فضا. جلد پنجم. سازمان مسکن و شهرسازی گیلان.
- ضابط محبوب، حمیدرضا؛ امین زاده، بهرام و برنافر، مهدی. (۱۳۹۲). توزیع تراکم جمعیت در شهر رشت با استفاده از روش AHP. *فصلنامه آمایش محیط*، ۸(۲۸)، ۲۲-۱.
- علوی تبار، علیرضا. (۱۳۷۴). اقتصاد سیاسی تورم و تثبیت اقتصادی. *راهبرد*، ۶(۱۹۶-۱۷۹).
- کارگر، احمد و سرور، رحیم. (۱۳۹۵). *شهر حاشیه امنیت*. تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ماجدی، حمید. (۱۳۸۹). ارزیابی سیاست‌های زمین شهری و مسکن در کشور. *مجله اقتصاد شهر*، ۴(۹۸-۸۸).
- محمدمدپور، علی، و باباجان میرزاپور. (۱۳۹۴). تجزیه و تحلیل معیارهای پرتفوی با استفاده از تکنیک دیمتل فازی. *مجله مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار*، ۱۳۱-۱۱۹.
- مهدوی‌وفا، حبیب‌الله؛ رضویان، محمد تقی و مؤمنی، مصطفی. (۱۳۸۸). نقش اقتصاد سیاسی در ساختار فضایی تهران و پیرامون. *مجله محیط شناسی*، ۳۵(۵۱)، ۱۴-۱.
- میرغفوری، حبیب‌الله؛ اسفندیاری، سعید و صادقی آرانی، زهرا. (۱۳۹۱). بررسی روابط علت و معلولی بین معیارهای کیفیت خدمات در کتابخانه‌ها با رویکرد ترکیبی لایب کوآل-دیماتل فازی. *کتابداری و اطلاع رسانی*، ۱۱(۵۵)، ۱۱۲-۸۹.
- هاروی، دیوید. (۱۳۸۷). *شهری شدن سرمایه*. مترجم: عارف اقوامی مقدم، تهران: انتشارات اختران کتاب.
- هاروی، دیوید. (۱۳۹۴). *معماری سرمایه و بحران‌های سرمایه‌داری*. ترجمه: مجید امینی. چاپ دوم. تهران: نشر کلاغ.
- هاروی، دیوید. (۱۳۹۴). *عدالت اجتماعی و شهر*. مترجم: محمدرضا حائری. تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- لوفور، هانری. (۱۳۹۱). تولید فضا. ترجمه: محمود عبدالله‌زاده. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- Johansen, P.G. (2008). A political Economy of Space: Social organization and the Production of an Iron Age Settlement Landscape in Northern Karnataka, Social Science dissertation, University of Chicago.
- Matthew, E. (1992). *Urban and Regional Economics- Marxist Perspectives*. Translator: Fariborz Rais Dana, Ghtreh Publication.
- Wiedmann, F., & Salama, A., & Thierstein, A. (2012). Urban Evolution of the City of Doha: An Investigation into the Impact of Economic D Transformations on Urban Structures. *Metu Journal of the Faculty of Architecture*, (29).

How to cite this article:

Mehr Sabet, H., Ali Akbari, E., Amirazodi, T., Pourahmad, A & Joodaki, H. (2022). Understanding the components of political economy in spatial organization of Rasht metropolis with Dematel technique. *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 17(2), 573-585.

ارجا به این مقاله:

مهر ثابت، حسین؛ علی اکبری، اسماعیل؛ امیرعزیدی، طوبی؛ پورا احمد، احمد و جودکی، حمید. (۱۴۰۱). نقش مؤلفه‌های اقتصاد سیاسی در سازمانیابی فضای کلانشهر رشت. *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسان*، ۱۷(۲)، ۵۷۳-۵۸۵.

فصلنامه علمی

مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی